

بررسی تطبیقی دو سرود کهن مصری و ایرانی (آخناتون و مهریشت اوستا)

حسین حیدری^۱ محمد آقاجانی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۷/۴ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۷/۱۰)

چکیده

امنحوتپ چهارم (=آخناتون)، یکی از نامورترین فراعنهی مصر، سرایندهی سرود برجای مانده در کتیبه‌ها از سده‌ی چهاردهم پیش از میلاد در ستایش خورشید یا خدای خورشید بوده است. سنگ نبشته‌ی برجای مانده از او، کهن‌ترین سنگ نبشته‌ای است که برای نخستین بار ندای توحید سر داده است. مهریشت/اوستا دومین یشت بزرگ اوستاست که یادگار هزاره‌ی پیش از میلاد در ستایش خورشید، مهر و یا خدای خورشید است. این مقاله پس از معرفی زندگی آخناتون، به مقایسه‌ی درونمایه‌ی نزدیک این دو سرود می‌پردازد. این مقایسه به این برآورد می‌رسد که خدای آتون ازلی، خالق و مدبر و نسبتاً توحیدی یا وحدت وجودی است، در حالی که ایزد مهر هرچند خورشید نیست و با آنکه در کار آفرینشگری نیست، اما ناظر جهان و حامی و پشتیبان راستگاران است.

کلید واژه‌ها: آتون، آخناتون، امنحوتپ، مهریشت، اوستا، ایزد مهر.

۱. نویسنده‌ی مسؤل، استادیار گروه ادیان دانشگاه کاشان: Heydari@kashanu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد ادیان، دانشگاه کاشان.

مقدمه

مهریشت دهمین یشت از یشت‌های ۲۱ گانه، مشتمل بر ۳۵ کرده و ۱۴۶ بند است. این یشت، پس از فروردین یشت، درازترین یشت/وستا است. چنان که از نام آن پیدا است، این یشت در ستایش و نیایش ایزد مهر است. در این یشت، ایزد مهر به وصفهایی چون بیخواب و همیشه بیدار، دارنده‌ی چراگاه‌های فراخ، دشمن اهل دروغ، یاور نیکان، حمایتگر دین و امثال آن توصیف شده است. در سراسر این یشت، بر وفاداری به پیمان میان دو کشور یا دو نفرتاکید و توجه شده است. ایزد مهر همواره ناظر گیتی است تا مبادا کسی از پیمان‌ش بلغزد.

در سده‌ی چهاردهم پیش از میلاد، فرعون جوانی موسوم به آمن (= عامن) هوتپ چهارم (Amonhotep IV) بر تخت پادشاهی مصر نشست. در باور این فرعون برنا، اندیشه‌ی توحید و طرد چندگانه پرستی شکفته شد. امنحوتپ که سخت از نظام رایج چندگانه پرستی در مصر به ستوه آمده بود، دل در گروی خدای بی‌انباز و واحدی که در اصل خورشید بود، بست. او خورشید یا خدای خورشید را که به آتون موسوم بود، به عنوان خدای واحد و بی‌انباز برگزید و دیگر خدایان و ایزدان را یکسر کنار گذاشت و مجعول شمرد. در پایبندی به این انگاره‌ی توحیدی، وی کارهایی را در ساز و کار حکومتداری و نوع تعامل مردم و هنرمندان با چندگانه پرستی پیشین و یکتا پرستی نوین، انجام داد که به تفصیل و تحلیل از نظر خواهد گذشت. این مقاله به بررسی تطبیقی محتوای مهریشت و سرود بازمانده از آخناتون خواهد پرداخت.

الف - آخناتون سراینده‌ی کهن‌ترین سرود توحیدی

دوره‌ی زندگی

هر یک از منابعی که در باب امنحوتپ داد سخن رانده‌اند، تاریخی را به عنوان روزگار زندگی و زمامداری این فرعون برشمرده‌اند. این تاریخها دقیقاً کاملاً همانند نیستند؛ ولی وجه اشتراک همه‌ی منابع مورد بررسی، در یکسان بودن حدود سده‌ای است که امنحوتپ چهارم در آن زیسته و چشم از دنیا فرو بسته است. بررسی سرگذشت این چهره، به دلیل وجود برخی گمانه‌زنی‌ها در هم‌روزگار بودن وی با یوسف پیامبر، اهمیت ویژه‌ای دارد.

با بررسی بیش از پانزده منبع معتبر که در پیوست مقاله آمده است، به دو نکته‌ی اساسی در باب تاریخ یاد شده دست می‌یازیم:

۱. زمان زندگانی امنحوتپ چهارم یا به تعبیر خودش آخناتون، میان سالهای ۱۳۰۰-۱۴۰۰ پیش از میلاد بوده است، یعنی بر خلاف پندار پیشین که سنت یهودی را دربردارنده‌ی کهن‌ترین متون توحیدی می‌دانستند، امروزه کهن‌ترین سرود توحیدی بر جای مانده را به آخناتون نسبت می‌دهند، به‌ویژه اینکه تاریخ تدوین صورت کنونی کتاب مقدس، به دوره‌ی پس از اسارت بابلی یعنی سده‌ی پنجم پیش از میلاد نسبت داده می‌شود.

۲. متغیر سالهایی که امنحوتپ بر اریکه‌ی زمامداری مصر نشسته، چیزی حدود ۱۷ تا ۱۹ سال است.

فرعون یاد شده، فرزند امنحوتپ سوم بود. پدر وی جانشین تحوطمس سوم بود که پس از یک دوره زندگی پرشکوه و جلال از دنیا رفت و تاج پادشاهی به دست پسر شاعر طبعش داد (ویل دورانت، ۱/۲۴۵).

دقیقاً دانسته نیست که امنحوتپ چهارم در اثر چه اندیشه‌ها و کدام باورها به یکتاپرستی روی آورده است. نباید از نظر دور داشت که روزگار زمامداری وی را دوره‌ی انقلاب مذهبی قلمداد کرده‌اند (فوگل، ۱/۵۵). امنحوتپ در اثر اندیشه‌هایی بر آن شد که در ورای این همه قیل و قال در باب ایزدان و در پس همه‌ی این رب‌النوع‌ها، خدایی زنده قرار دارد. بر این پایه، دیگر ایزدان هر چه هستند همگی بی‌استثنا تصنعی و ساخته و پرداخته‌ی دست کاهنانند. او بر آن شد که خورشید و به تعبیر خودش «آتون» همان خدای لایزال و بی‌انبازی است که جهان و هر آنچه در اوست را از نیستی به هستی درآورده است (ویل دورانت، ۱/۲۴۹). از آتون سنگ نیشته‌ی مشهوری بر جای مانده است که وثاقت تاریخی آن مورد تردید باستان‌شناسان نبوده است. متن سنگ نیشته به زبان‌های گونه‌گون از جمله به زبان انگلیسی در دسترس است و ترجمه‌ی دقیق فارسی آن نیز در دوره تاریخ تمدن ویل دورانت در دهه‌های پیش به چاپ رسیده و مرحوم علی‌اصغر حکمت با تأثیرپذیری شدید به صورت شعر فارسی برگردانیده است (ناس، ۶۴؛ حکمت، ۵۹-۶۱). وی در اثر این انگاره‌ی یکتاپرستانه و به دلیل شوق وافر به این خدای زنده، به دگرگونی‌های بنیادین دست زد:

نخست: نام خود را که تا آن زمان برگرفته از نام پدرش بود از عنوان امنحوتپ به نام «آختاتون» در معنی «کسی که آتون از او راضی است» تغییر داد (همانجا؛ نیز نک: اسمیت، ۹۷). بی‌درنگ، پس از این کار، اقدامات اصلاحی خود را پی‌گیری کرد. وی آشکارا مخالفت جدی خویش را از نظام چندگانه پرستی رایج در مصر اعلام کرد و به مخالفت جدی با کاهنان معبد خدای آمن برخاست (ویل دورانت، ۲۴۵). «در آن زمان، گروهی از زنان در معبد «کرنک» به سر می‌بردند که در ظاهر عنوان کنیزان و همخوابگان آمن را داشتند و در اصل اسباب عیاشی کاهنان را فراهم آورده بودند. این فسق و فجور پنهان در پرده‌ی قدس و دینداری، آن شاه جوان را که در زندگی خود نمونه‌ای از پاکی بود ناخوش آمد. بوی خون گوسفندانی که به عنوان هدیه در پیشگاه خدای آمن قربانی می‌شد به مشام او سازگار نبود؛ همچنین طلسم و تعویذ کاهنان و استفاده‌ی آنان از پیشگویی‌های آمن برای استحمار مردم و حاکمیت بر آنان به نام آمن، بر پادشاه گران آمد. از همین‌رو سخت خشمگین شد و گفت: «آنچه از کاهنان شنیده‌ام، از همه‌ی آنچه تا سال چهارم سلطنت شنیده‌ام و از همه‌ی آنچه شاه امنحوتپ سوم شنیده بود گناه‌آلودتر است» (همانجا).

دوم: پایتخت خود را از شهر «طبس» به شهری که اکنون «العمارنه» نامیده می‌شود و در ۳۶۰ کیلومتری شمال طبس واقع است، انتقال داد (فولگ، ۵۵/۱).

گام بعدی، پس از تغییر پایتخت حکومتی، تغییر نام «العمارنه» بود که حاکی از اعتقاد راسخ و جدی او بود. او پایتخت جدید را همسو با آتون پرستی به نام «آختاتون» (Akhetaton) برگرداند. معنای این عنوان جدید عبارت بود از «افق آتون» (همانجا؛ ناس، ۶۵).

تغییر پایتخت، رکود و کساد بازار کاهنان و همه‌ی کسانی را که از سایه‌ی عوام‌فریبی کاهنان به نوایی می‌رسیدند، در پی داشت. «پس از آن که ادارات و منافع عمومی‌ای که از آنها به دست می‌آمد، از پایتخت سابق بیرون رفت، این شهر بزودی از رونق افتاد و آختاتون به صورت پایتختی ثروتمند در آمد و بناهای تازه در آن ساخته شد.» (ویل دورانت، ۲۵۰/۱).

سوم: آختاتون بر پایه‌ی باورداشت خویش، هر دین و پرستشی را جز ستایش و نیایش آتون، گمراهی محض دانست و با همین هدف، فرمان داد که نام اوزیریس و دیگر

ایزدان – جز آتون – از همه‌ی نوشته‌ها و کتیبه‌هایی که در معرض عموم قرار دارند پاک کنند. قدر مسلم، در پی این جهت‌گیری، پرستشگاه‌های ایزدان دیگر در نوک یورش و مبارزه‌ی یکتاپرستی قرار می‌گرفتند. آخنتون در اقدامی دیگر، دستور تعطیلی همه‌ی پرستشگاه‌های ایزدان مصر را صادر کرد (ویل دورانت، ۱/۲۴۹).

کیش نوین آخنتون را به عنوان تنها پیامبر و آشنای خود معرفی می‌کرد. این مذهب بی‌تردید آسان‌تر از مذهب چندگانه پرستی پیشین بود. در این کیش، نیازی به اماکن قدسی نبود زیرا آتون؛ خدای خورشید در همه جا حضور داشت و اشعه‌های او، محیط بر سراسر زمین و هستی بود. از همین رو، دیگر نیازی به پرستشگاه‌های پرطمطراق سابق نبود. باورمندان این دین، در اماکن سرباز هدایایی به‌ویژه میوه و گل، پیشکش این خدا می‌کردند (بهمنش، ۲/۱۲-۱۳). این وضع، بیش از همه به سود هنر و هنرمندان بود. «هنر با این نهضت دینی از قیود سنن و تقالید کاهنان خارج شده بود و روح دین تازه در آن نفوذ کرده بود. آخنتون هیچ قید و شرطی برای هنر وضع نکرده بود و او تنها کاری که هنرمندان را از آن برحذر می‌داشت این بود که صورت و تمثالی را از آتون نسازند؛ چرا که به عقیده‌ی وی، خدای راستی هیچ صورتی ندارد» (همو، ۱/۲۵۰-۲۵۱).

البته آخنتون در این نهضت اصلاحات، همراهی و دلگرمی همسر محبوبش «نفرتی‌تی» را نیز در کنار داشت (اسمیت، ۹۷). آخنتون در پس اقدامات مذهبی خویش، مردی خانواده دوست نیز بود. وی هفت دختر داشت و به‌رغم آن که می‌توانست همسر دیگری را با اختیارات شاهی خود اختیار کند، هرگز به چند همسری تن نداد. او سخت به ملکه‌اش؛ نفرتی‌تی وفادار بود. در مجالس رسمی، نفرتی‌تی پهلوئی او می‌نشست و دست او را به دست می‌گرفت و دخترانش در پای تخت به بازی می‌پرداختند (همو، ۲۵۲). آخنتون با این اقدامات، طبقه‌ی قدرتمند کاهنان را تقریباً از کار انداخته بود و در نتیجه، خشم و نفرت کاهنان و مزدوران ایشان را علیه آخنتون برانگیخت (همانجا).

نباید چنین تصور شود که مذهب یکتاپرستی آخنتون، فراگیر و مورد پذیرش توده‌ی مردم بود. خیل کاهنان و مردم، در پس پرده و در حالت نوعی تقیه‌ی مذهبی، همچون پیش، بر باورهای چندگانه پرستی به‌ویژه آمن (= آمون) پرستی مومن بودند (ویل دورانت، ۱/۲۵۱). «حتی در خود کاخ‌های سلطنتی نیز وزیران و سران لشکرها از شاه

نفرت داشتند و آرزوی مرگ او را می‌کردند، زیرا آخناتون را کسی می‌دانستند که گذاشته بود امپراطوری مصر پاره پاره شود و فرو ریزد» (همانجا).

اما این همه‌ی ماجرا نبود. آتش آتون‌پرستی که با اقدامات آخناتون در مصر انداخته شده بود، رفته رفته و با رسیدن به واپسین روزگار پادشاهی آخناتون کم‌سو و کم‌سوتر شد. آخناتون بر سر مسائلی با همسرش ناسازگاریهایی جدی پیدا کرد و وضعیت مصر آشفته و آشفته‌تر شد. در نتیجه‌ی این اوضاع، از سوی کاهنان مصر، فردی به منظور همکاری در امر حکومتداری و رتق و فتق امور انتخاب شد. این فرد، برادر خوانده‌ی آخناتون به نام سمن‌خاره (Smenkhare 1338-1336 BCE) بود. سمن‌خاره در خلال مدت همکاریش مجال لازم را برای آخناتون فراهم آورد تا او با فراغت بیشتر به مذهبش بپردازد. سمن‌خاره، به اداره‌ی حکومت می‌رسید و آخناتون به انجام امور مذهب آتون‌پرستی (شهمیرزادی، ۴۲۲).

این وضع برای مدتی ادامه داشت تا این که نخست آخناتون و سپس برادر خوانده‌اش چشم از جهان بستند. پس از چندی، کاهنان؛ داماد آخناتون به نام «توت عنخ آمون»، (Tutankhuaten later, Tutankhamun, 1336-1327 BCE) را بر اورنگ پادشاهی نشانند (ناس، ۶۵؛ شهمیرزادی، ۴۲۳).

از جمله اقدامات این فرعون، تغییر و برگرداندن پایتخت به جایگاه پیشین خود یعنی شهر طبس بود. فرعون تازه به حکومت رسیده، در پی این دگرگونی، فرمان بازگشت به مذهب آمن و چندگانه پرستی را اعلام کرد. شاید چنین به نظر آید که این فرمان باعث نارضایتی مردم آن زمان شد! در حالیکه کاملاً عکس این قضیه صادق است. مردم با شنیدن این خبر، با طیب خاطر فرمان را اجرا کرده و به شادی پرداختند (ویل دورانت، ۱۳۶۳، ص ۱۱۷).

«همه از این خبر شاد و شکفته شدند. کلمات «آتون» و «آخناتون» از همه‌ی آثار زدوده شد و کاهنان بردن نام آن شاه زندیق را بر مردم حرام کردند؛ هر وقت کسی می‌خواست ذکری از او بر زبان آورد، وی را به نام «تبهکار بزرگ» می‌نامید. همه‌ی اسامی‌ای را هم که آخناتون از کتیبه‌های عمومی زدوده بود در پی این بازگشت، مجدد نقش کردند و حتی روزهای جشنی را که از سوی فرعون سابق برچیده شده بودند، رواج یافتند. به طور کلی همه چیز به ترتیب سابق خود بازگشت» (ویل دورانت، ۲۵۳/۱). تا

آن که بعد از رسمیت و رواج دین مسیحیت و غلبه رومیان بر مصر، تئودوسیوس قیصر روم در سال ۳۹۱م؛ پرستشگاههای مصری‌ها را بست و پرستش خدایان گوناگون باستانی را ممنوع کرد (حکمت، ۵۸).

داده‌های پیشگفته، چشم‌اندازی از سرگذشت آخنتون بود. نکته‌ای که با یک نگاه اجمالی به مطالب یاد شده به دست می‌آید، می‌تواند ما را در حل مسأله‌ای دیگر که در آغاز مقاله بدان اشاره کردیم کمک کند. در هیچ یک از منابع مورد نظر و داده‌های پیشگفته، حرفی از یوسف پیامبر به میان نیامده است و بر حسب مستندات تاریخی، انگاره‌ی هم‌روزگار بودن این دو شخصیت، چیزی بیش از یک توهم نیست. با توجه به این که آخنتون در میان سده‌ی ۱۳۰۰-۱۴۰۰ پیش از میلاد می‌زیست. حال باید پرسید منابع تاریخی، روزگار زندگی یوسف را چه تاریخی دانسته و برشمرده‌اند؟

چنان که می‌دانیم، ابراهیم جد بزرگ یوسف بود. تاریخ زندگی ابراهیم را حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح دانسته‌اند (هلی، ۶۳ نیز نک: بریتانیکا، ۳۶/۱) بر حسب مضامین کتاب مقدس، ابراهیم در سن صد سالگی اسحاق را صاحب شد (کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۲۱، آیات ۴-۵)، اسحاق نیز وقتی شصت ساله بود، یعقوب را صاحب شد (همان، باب ۲۵، آیات ۲۶-۲۷)، یعقوب نیز در واپسین روزهای عمرش، تقریباً وقتی صد ساله بود، یوسف را صاحب شد.

حال با جمع و کسری خاص به نتیجه‌ای می‌رسیم: ۱۰۰ سال عمر ابراهیم با ۶۰ سال عمر اسحاق و ۱۰۰ سال عمر یعقوب، ۲۶۰ سال می‌شود. حال می‌توانیم این عدد را از سال ۲۰۰۰ که مربوط به تاریخ حیات جد یوسف پیامبر، یعنی ابراهیم است کسر کنیم: $۲۶۰ - ۲۰۰۰ = ۱۷۴۰$. سال ۱۷۴۰ پیش از میلاد به دست آمده از این بررسی، تاریخ زندگی یوسف پیامبر می‌شود. و اگر باز بر پایه‌ی روایات کتاب مقدس، بپذیریم که یوسف ۱۱۰ سال عمر کرده است. می‌توانیم سال نهایی زندگی او را در پس این اعداد و ارقام بدست آوریم: $۱۱۰ + ۱۷۴۰ = ۱۶۳۰$. با این بررسی می‌توانیم بر آن شویم که واپسین سال زندگانی یوسف پیامبر بر پایه‌ی کتاب مقدس، سال ۱۶۳۰ پیش از میلاد می‌تواند باشد. پیشتر در بررسی تاریخ حیات آخنتون نشان دادیم که وی به گواهی و استناد منابع متعدد میان سالهای ۱۳۰۰-۱۴۰۰ پیش از میلاد زیسته است. اینک با این بررسی

می‌توان دید که چه تفاوت فاحشی میان روزگار زندگی این دو شخصیت وجود دارد. چیزی نزدیک به ۳۰۰ سال میان این دو فرد بُعد زمانی وجود دارد. پس همروزگار دانستن این دو شخصیت مدعایی کاملاً غیرواقعی است. گرچه زمامدار معاصر یوسف پیامبر به درستی دانسته نیست، ولی به احتمال قوی، فرعون زمان یوسف یکی از شاهان هیکسوس‌ها بوده است (الدر، ۴۵).

ب - معرفی مهریشت

واژه‌ی مهریشت، ترکیبی است از دو واژه‌ی مهر و یشت:

۱. **مهر:** مهر در *اوستا* «میتره» و در پهلوی «میترا» یا «میهر» است (*اوستا*، ۱۰۵۷/۲). مهر همچنین در پارسی باستان به شکل میترا نامیده شده است (اوشیدری، ۴۴۱). در *اوستای نو* یا همان *اوستای متأخر*، مهر ایزد فروغ و پیمان‌شناسی و یکی از بزرگترین ایزدان و مینویان در اساطیر کهن هند و ایرانی است که در بخش‌های پسین *اوستا*، دیگر باره اهمیت ویژه‌ای می‌یابد (*اوستا*، ۱۰۵۷/۲). «دارمستتر معنی اصلی مهر را دوستی و محبت دانسته است» (اوشیدری، ۴۴۱). مهر در *اوستا* از آفریدگان اهوره مزدا به‌شمار می‌آید. او ایزد نگهبان پیمان است و از این‌رو، ایزد فروغ و روشنایی است تا هیچ چیز بر او پوشیده نماند (همانجا).

۲. **یشت:** نام یشت در کتاب *اوستا* به صورت «یشتی» (*yasti*) هم‌ریشه و هم معنای «یسنه» به معنای پرستش ایزدان با خواندن نیایشها و برگزار کردن آیین فدیه آمده است (*اوستا*، ۱۰۹۱/۲ نیز نک: اوشیدری، ۵۱۲). بخشی از *اوستا* که در ستایش ایزدان است یشت‌ها نامیده می‌شود. یشت‌ها را به دو دسته: یشت‌های بزرگ و کوچک تقسیم می‌کنند. هر یک از یشت‌های بزرگ دارای چندین فصل است که آنها را «کرده» می‌گویند. از میان یشت‌های ۲۱ گانه، یشت‌های زیر در زمره‌ی گروه یشت‌های بزرگ و آنچه می‌ماند، در شمار یشت‌های کوچک قرار دارند: ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۵، ۱۹. کهنگی یشت‌های ۲۱ گانه یاد شده، با هم یکسان نیست (اوشیدری، ۵۱۳). از میان آنها، یشت‌های ۱ تا ۴ و یشت ۱۸، ۱۲، ۲۰ پسین‌تر هستند و یشت‌های ۵، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۷، ۱۹ یشت‌های کهن هستند و سرانجام یشت‌های ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۶، یسن ۹، در مواردی، ویژگیهای یشت‌های کهن را دارند.

کریستن سن زمان سرایش یشت‌های بزرگ را به تقریب، این گونه آورده است: یشت ۱۰ و ۱۳ و ۱۹ پیش از دوره هخامنشی و اوایل آن عهد، یشت ۵ پس از سال ۴۰۴ پیش از میلاد، یشت ۱۷ و ۸ و ۱۴ و یسنای ۹-۱۱ و یسنای ۵۷ و یشت ۱۵ ندهای ۶-۳۷ در دوره هخامنشی و احتمالاً سده‌ی چهارم پیش از میلاد، یشت ۹ در حدود سده‌ی نخست میلادی در زمان اشکانی و یشت ۱۶ در اواخر دوره اشکانی (کریستن سن، ۱۳۸ نیز نک: ابوالقاسمی، ۳۱-۳۲). البته با نگاهی کلی به این یشت و دیگر یشت‌ها، این احتمال می‌رود که ایزدان مورد ستایش هر یک در روزگاری و قبیله تنها خدای مورد پرستش بوده‌اند، ولی با درهم آمیختن قبیله‌ها، چنان که سران آنان ریاست خود را از دست داده و به معاونت تن داده‌اند، با شکل‌گیری سلسله مراتب نوین، سران ایزدان بی‌همتا نیز در برابر خدایان قبیله‌های نیرومندتر، به مرتبه معاونت و پایین دستی رسیده‌اند.

ج - مقایسه مضامین سرود آتون با مهریشت:

۱. خدای آتون آن‌چنان که در سرود آخنتون مسطور است، خدایی است قائم به ذات و یکتا و آفریده نیست. او خود آفریده‌ی همه هستی و کردگار کائنات است، در حالی که ایزد مهر بنا به مطالب مهریشت، آفریده‌ی اهوره‌مزدا است. مهر خود به اهوره‌مزدا نیایش می‌کند، از همین‌رو، می‌توان به این نکته اشاره کرد که آتون را در نیرومندی و آفرینشگری انبازی نیست، در حالی که طبعاً ایزد مهر، در زمره‌ی ایزدان فرمانبر اهوره‌مزدا است و ازین رهگذر، در آفرینشگری و نیرومندی یکتا نیست:

الف: «... وه که کارهای تو چه فراوان است! ... از برابر ما پنهان، خدای یگانه‌ای که هیچ کس قدرت ترا ندارد... تنها تویی که به صورت آتون زنده می‌درخشی، خودت به تنهایی هزاران صورت می‌آفرینی جهان را تو ساخته‌ای» (ویل دورانت، ۲۴۶-۲۴۹).

ب: «اهوره‌مزدا به زرتشت گفت: ای سپیتمان! بدان هنگام که من مهر فراخ چراگاه را هستی بخشیدم، او را در شایستگی و برازندگی نیایش، برابر خود که اهوره‌مزدایم بیافریدم» «آن نافرینتی بسیار هوشمند، آن آفریده‌ی کردگار...» (اوستا، مهریشت، بند ۱).

۲. خدای آتون در نیایش آخنتون خدایی است که طلوع و غروب دارد در حالی که ایزد مهر به‌رغم طلوعش، بی‌غروب است و خواب بر چشمان وی چیره نمی‌شود:

الف: «وه که بر آمدن تو از افق آسمان چه زیباست، ای آتون زیبا و ای سرچشمه زندگانی در آن هنگام که از افق مشرق طلوع می‌کنی در آن هنگام که در افق باختری

آسمان پنهان می‌شوی برمی‌آیی و می‌درخشی و دور می‌شوی و دوباره باز می‌گردی و چون تو در مغرب فرو می‌نشینی همه کارها می‌ایستد» (ویل دورانت، ۲۴۶-۲۴۹).

ب: «نخستین ایزد مینوی که پیش از دمیدن خورشید جاودانه‌ی تیز اسب بر فراز کوه البرز برآید. نخستین کسی که آراسته به زیورهای زرین، از فراز کوه زیبا سر بر آورد (اوستا، مهریشت، بند ۱۳)، بر فراز کوه البرز آن جا که نه شب هست، نه تاریکی، نه باد سرد نه باد گرم (همان، بند ۴۹) آن هماره به پای ایستاده آن نگاهبان بیدار (همان، بند ۱۶) آن ایزد سترگ نیک که بامدادان همان دم که بیکر خویش را همچون ماه به درخشش آورد، نموده‌های گوناگون آفرینش سپندمینو را پدیدار می‌کند» (همان، بند ۱۴۲).

۳. آتون خدایی است هستی‌بخش، باشندگان، هستی خود را هماره از وی دریافت می‌کنند، با وجود این، ایزد مهر اساساً ایزد پشتیبان و نگاهبان موجودات و انسانهای نیک است. در کرده‌ی ۳۳، بند ۱۴۱ مهریشت جامع اوصاف مهر فراخ چراگاه بازتاب دارد: الف: «ای آتون و ای سرچشمه زندگانی چون می‌تابی همه زنده می‌شوند مردم زندگی را از تو می‌گیرند» (ویل دورانت، ۲۴۶-۲۴۹).

ب: «آن پیروزمندی که رزم افزاری خوش ساخت با خود دارد. آن که در تیرگی، نگاهبانی نافرقتی است. آن که زورمندترین زورمندان است. آن که دلیرترین دلیران است. آن که داناترین بخشندگان است. آن پیروزمندی که فره ایزدی از آن اوست. آن هزار گوش ده هزار چشم ده هزار دیده‌بان. آن نیرومند دانای نافرقتی» (اوستا، مهریشت، بند ۱۴۱).

۴. از آنجا که آتون برخلاف مهر فراخ، غروب دارد و برخلاف ایزد مزبور جنبش هستی بدان باز بسته است، بناچار با خواب و غیبت وی از صحنه‌ی هستی، جهان از تکاپو و جنبش باز می‌ایستد، در حالی که مهر فراخ چراگاه، حضوری ثابت در پهنه‌ی گیتی دارد و از طرفی هستی، زندگی و جنبش خویش را از این ایزد دریافت نمی‌دارند که در نبود وی دچار رکود و ایستایی شوند:

الف: «ای آتون چون تو در مغرب فرو می‌نشینی همه کارها می‌ایستد. در آن هنگام که در افق باختری آسمان پنهان می‌شوی، زمین همچون مرده‌ای در تاریکی فرو می‌رود همه در اطاقهای خود به خواب می‌روند، جهان همه در خاموشی استو چون تو در مغرب فرو می‌نشینی، همه کارها می‌ایستد» (ویل دورانت، ۲۴۶-۲۴۹).

ب: در ستایش مهر «آن که هرگز خواب نرود و هشیارانه، آفرینش مزدا را نگاهداری کند.» (اوستا، مهریشت، بند ۱۰۳). «نگاهبان زورمندی که هرگز خواب به چشم او راه نیابد.» (همان، بند ۷، مقایسه شود با بند ۱۶).

۵. نقش بنیادین خدای آتون، چنان که یاد شد، آفرینش و فراریزش هستی به جهان و باشندگان است، در حالی که کارکرد و نقش ایزد مهر، بیشتر نگرهبانی از پیمان‌ها، سرکوب بدان و اهل دروغ و یاری نیکان و حمایت از دین زردشت و در یک جمله، دستگیری از همه‌ی افرادی است که او را نیایش و ستایش می‌کنند: «آن که مردمان را — اگر مهر دروج نباشند — از نیاز و دشواری برهانند» (همان، بند ۲۶، مقایسه شود با بندهای ۵، ۶).

۶. نکته‌ی دیگر، همانندی تلقی آختاتون و سرایندگان یا سراینده مهریشت در باب آتون و مهر است. چنان که از لابه‌لای جمله‌های سرود آختاتون پیدا است، آتون در بیان و باور آختاتون در اصل خورشید نیست! این نکته را می‌توان از این سیاق سرود آتون دریافت کرد: «تو هستی که در صورت آتون زنده طلوع می‌کنی، جلوه می‌کنی، می‌درخشی، دور می‌شوی و دوباره باز می‌گردی و خودت به تنهایی بی‌نیایت (مليون‌ها) صورت می‌سازی»:

Rising in thy form as the living Aton, Appearing, shining, withdrawing or aproaching, Thou madest millions of forms of thyself alone (Pritchard, 227-230).

ایزد مهر نیز در سرود مهریشت، افزون بر این که چونان خورشید تلقی شده، همچنین چیزی جز از آن نیز پنداشته شده است و احتمالاً به همین دلیل در مهریشت، ایزد مهر، بر خلاف آتون، ایزدی بی‌غروب دانسته شده است. «نخستین ایزد مینوی که پیش از دمیدن خورشید جاودانه تیز اسب، بر فراز کوه البرز برآید. نخستین کسی که آراسته به زیورهای زرین، از فراز آن کوه زیبا سر بر آورد آن هماره بر پای ایستاده، آن نگاهبان بیدار...» (اوستا، مهریشت، بندهای ۱۳ و ۱۶)، آن که پس از فرورفتن خورشید به فراخنای زمین پای نهد. هر دو پایانه این زمین پهناور گوی‌سان دور کرانه را بپیماید و آنچه را در میان زمین و آسمان است، بنگرد» (همان، کرده‌ی بیست و چهارم، بند ۹۵).

۷. هر چند آتون چونان خورشید و مهر هم به عنوان خورشید و هم غیر از آن تلقی شده، با وجود این صفاتی که به آتون نسبت داده شده، فراتر از حد اوصاف خورشید است، چرا که آتون اولاً، آفرینشگر است: «تو زمین را چنان که دلت می‌خواست آفریدی» ثانیاً، دادگه است: «تو هر کسی را بر جای خود قرار می‌دهی». ثالثاً، مدبر است: «تو با تدبیر و قدرت خویش او (آخنتون) را فرزانه ساخته‌ای». «جهان در دست تو است.» (ویل دورانت، ۲۴۶-۲۴۹).

برخلاف آتون، ایزد مهر دارای صفات دیگری است:

الف: وی آفریده است (اوستا، مهریشت، بند ۱). رحمتش فراگیر نیست: «او هر کس را که نیک باشد یاری می‌کند». (همان، بند ۳) «آن که مردمان را اگر مهر دروج نباشند از نیاز و دشواری برهاند.» (همان، بند ۲۲). «ای مهر تو با کشورها هم خوبی و هم بدی، ای مهر تو با مردمان هم خوبی و هم بدی» (همان، بند ۲۹).
ب: مهر خدایی است نگهبان تا آفرینشگر (همان، بند ۴۹).

پ: یاری او همواره و بی‌درنگ و فراگیر نیست! هرگاه از او یاری خواهند، مهر به یاری برمی‌خیزد، البته آن هم فقط یاری نیکان: «اگر مردمان مرا در نماز نام برند و بستایند، چنان که دیگران ایزدان را در نماز نام می‌برند و می‌ستایند، هر آینه من با جان تابناک و جاودانه خویش به مردمان اشون روی آورم ...» (همان، بند ۵۵).
ت: مهر حمایتگر دین زردشت است: «آن که برای گسترش دین نیک، در همه جا نمایان است» (همان، بند ۶۴).

۸. براساس داده‌های سرود آتون، گویا جهان و هر چه هست، برای آخنتون آفریده شده‌اند. آتون، عالم را برای آخنتون آفریده و از طرفی تنها آخنتون به معرفت آتون نایل شده است. «جز پسرت آخنتون کس دیگری ترا نشناخته است این جهان را تو ساخته‌ای و آنچه را در آن است برای فرزندت برپا داشته‌ای...» (ویل دورانت، ۲۴۶-۲۴۹).

در مهریشت، دلیل آفرینش هستی به خاطر فرد یا افراد ویژه‌ای بیان نشده است و به عبارتی مهریشت متکی و متمرکز بر یک فرد ویژه نیست، نکته‌ی شایان توجه، هم‌رتبگی ستایش ایزد مهر با اهوره مزداست: «بدان هنگام که من مهر فراخ چراگاه را هستی بخشیدم، او را در شایستگی ستایش و برازندگی نیایش برابر با خود — که اهوره‌مزدایم — بیافریدم» (اوستا، مهریشت، بند ۱). در سرود آتون، آخنتون جایگاه برجسته و برینی

دارد زیرا خود را فرزند آتون می‌خواند، و هموست که عارف به آتون است و در ستایش نامه مهر، ایزد مهر جایگاه والایی دارد، زیرا اهوره‌مزدا او را هم‌رتبه و هم‌شان خویش آفریده است. از همین‌رو، به نظر می‌رسد در یک بررسی ژرف‌تر باید آختاتون را با مهر مقایسه کرد.

۹. آتون در سروده‌ی مورد نظر آختاتون، به عنوان خدایی ازلی و ابدی معرفی شده است: «تو زمین را آفریدی در آن هنگام که خود تنها بودی‌ای پروردگار ابدیت» (ویل دورانت، ۲۴۶-۲۴۹)، در صورتی که بنابر داده‌های یاد شده، ایزد مهر طبعاً به‌خاطر آفریده بودنش، دست‌کم ازلی نیست (اوستا، مهریشت، بند ۱).

۱۰. در سرود آتون، به مسأله‌ی مرگ و مهمتر از آن، به رستاخیز پرداخته نشده است، در حالی که در مهریشت، بر نقش یاری ایزد مهر در جهان دیگر اشاره شده است: «این چنین بشود که تو ای مهر فراخ چراگاه، در هر دو زندگانی، آری در هر دو زندگانی، در زندگانی جهان استومند و در زندگانی مینوی، ما را پناه بخشی از آسیب دروند» (همان، بند ۹۳).

۱۱. در خلال سرود آختاتون در برابر آتون؛ دشمن و ستیزه‌گری تصویر و ترسیم نشده است. آتون خدای همه است و به همه نظر دارد؛ در حالی که ایزد مهر — چنان که اشاره شد — یاور نیکان و سرکوبگر مهر دروجان و پیمان‌شکنان است. «آن که دیوان را سر بکوبد. آن که بر گناهکاران خشم گیرد. آن که به مهر دروجان کین ورزد.» (همان، بند ۲۵) «اوست که می‌تواند دشمن را پریشان کند. اوست که سرهای مهر دروجان را [از تن‌هاشان] فرو افکند» (همان، بند ۳۵).

۱۲. بحث دیگر در باب نوع آفرینندگی آتون و ایزد مهر است: آتون آفرینشگر آسمان و زمین، شرایط جوی و اقلیمی، موجودات هستی — اعم از انسان و حیوان — خالق رودها است. در یک کلمه، همه چیز و همه کس را آتون آفریده و نظم هستی و زندگی آن، به حضور آتون باز بسته است. در حالی که در مهریشت، گیتی به دست ایزد مهر آفریده نشده است، کائنات در آغاز با آفرینشگری اهوره‌مزدا نقاب عدم از چهره برداشته و به هستی مبدل گشته است. از طرفی، چنان که پیشتر اشاره شد، خود ایزد مهر را نیز اهوره‌مزدا آفریده است. بدین‌سان، اقدامات مهر و آفرینندگی‌های وی در طول اراده و افعال اهوره‌مزدا و عمده فعالیت‌های وی یاریگری و پشتیبانی است (همان، بند ۶۱، ۶۵، ۵۴).

۱۳. در بررسی نیایش آخناتون، گزارشی در باب صفات جنگجویی، رزم‌آوری و اساساً خشونت‌طلبی آتون نمی‌یابیم. در حالی که در مهریشت، صراحتاً به صفت جنگجویی ایزد مهر اشاره شده است: «آن که جنگ را بر انگیزد. آن که جنگ را استواری بخشد. آن که در جنگ پایدار ماند و رده‌های دشمن را از هم بدرد. آن که رزم‌آوران را در هر دو بال آوردگاه پراکنده و پریشان کند و از بیم او در دل سپاه دشمن خونخوار لرزه درافتد» (همان، بند ۳۶، مقایسه شود با بند نهم).

۱۴. در سرود آتون، در تعریف خدای بی‌انبار و یکتای آخناتون، هیچ نوع کارگزار و دستیاری هم برای آتون یاد نشده است، اما در مهریشت، برای ایزدمهر، افزون بر اینکه خود زیر دست اهوره مزدا است؛ کارگرانی نیز تصور شده است. از جمله این کارگزاران، می‌توان به حاملان و کرسی و گردونه ایزد مهر اشاره نمود: «آن که (مهر) گرداننده‌ی گردونه‌ای است زیبا و برازنده و زرین و آراسته به گونه‌گون زیورها. این گردونه را چهار تکاور مینوی سپید درخشان جاودانه می‌کشند» (همان، بند ۱۲۵ و ۱۲۴).

نتیجه‌گیری

با توجه به درون مایه‌ی سرودهای آخناتون و مهریشت (و مضمون مشابه در مزمور ۱۰۴ عهد عتیق)، بسادگی می‌توان این نکته را دریافت که سرود آتون، سرودی یکتاپرستانه — هر چند در ستایش خورشید — است و برعکس آن، مهریشت/اوستا، ستایش نامه‌ای متضمن چندگانه پرستی است.

مقایسه خدای آتون و ایزد مهر

ویژگی‌های آتون	ویژگی‌های ایزد مهر
هم خورشید است و هم آفرینشگر خورشید.	هم خورشید است و هم غیر خورشید .
کارکرد آفرینشگری و حمایت از همه موجودات را دارد.	کارکرد حمایت از اشونان و راست کرداران را دارد و دشمن دروج گرایان است.
ارتباط ویژه و شخصی با آخناتون دارد و کسی جز او قدردانش نیست.	رابطه او با همه اشونان یکسان است .
هم طلوع دارد و هم غروب.	بی غروب است.
کارکرد ثبوتی و حمایتی بیشتری دارد.	کارکرد سلبی و جنگاوری بیشتری نشان می‌دهد.

کتابشناسی

۱. ابوالقاسمی، محسن، شعر در ایران پیش از اسلام، تهران، طهوری، ۱۳۸۳ش.
۲. اسمیت، براندا، مصر باستان، ترجمه‌ی آریتا یاسائی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰ش.
۳. اوستا، کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران، مروارید، ۱۳۷۰ش.
۴. اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱ش.
۵. بایر ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵ش.
۶. بهمنش، احمد، تاریخ مصر قدیم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۶ش.
۷. بین‌النهرین - مصر، تدوین حسین محسنی، محیا، بی جا، ۱۳۷۳ش.
۸. حکمت، علی اصغر، تاریخ ادیان، تهران، ۱۳۷۱ش.
۹. داوود، تهلیلیم، مزامیر داوود، انجمن کلیمیان تهران، تهران، ۱۳۷۹ش.
۱۰. دائرةالمعارف تاریخ عمومی جهان، گروه فرهنگستان بورداس، ترجمه‌ی محمود بهفروزی، قطره، تهران، ۱۳۸۲ش.

۱۱. الدر، جان، *باستان شناسی کتاب مقدس*، سهیل آذری، انتشارات نور جهان، تهران، ۱۳۳۵ش.
۱۲. شه میرزادی، صادق، *مجموعه دروس باستان شناسی و هنر پیش از تاریخ ایران - مبانی باستان شناسی ایران*.
۱۳. فوگل، اشپیگل، تمدن مغرب زمین، ترجمه‌ی محمد حسین آریا، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۴. کریستن سن، آرتور، *مزد/پرستی در ایران قدیم*، ترجمه‌ی ذبیح الله صفا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۵ش.
۱۵. *کتاب مقدس (ترجمه قدیم)* شامل کتب عهد عتیق و عهد جدید / انگلستان، ایلام، ۲۰۰۲م.
۱۶. ویل دورانت، آریل، *تاریخ تمدن*، ترجمه‌ی گروه مترجمان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵ش.
۱۷. هلی، هنری، *راهنمای کتاب مقدس*، ترجمه‌ی جسیکا باباخانیان، سایرینا بدلیان، ادوارد عیسی بیک، زیر نظر کشیش سارو خاچیکی، انتشارات ARK Publication، چاپ ۲۰۰۰م.
18. Crystal David (edited by), *The Cambridge Biographical Encyclopedia*,: second edition, Cambridge University Press, 1998.
19. ibid, *The Cambridge Encyclopedia* (Edited by), third edition, Cambridge University press, New York, 1997.
20. Crystal David Crystal(edited by), *The Cambridge Biographical Dictionary*, Cambridge University press, 1996.
21. *Encyclopedia International*, Grolier, New York, 1970.
22. JO.A.W "Akhenaton" in *The New Encyclopaedia Britanica*, U.S.A, 2005.
23. Magnusson, Magnus (edited by), *The MacMillan Encyclopedia*, Revised and Updated, London, 1990.
24. P.Allen, James, "Akhenaton" in *Encyclopededia of Religion*, second edition, editor: Linday Jones, Gale, U.S.A, 2005.
25. Raymond, Ellsworth "Akhenaton" in *Encyclopaedia mericana*, Scholastic Library Publishing, U.S.A, 2006.
26. Schulman ,Alan Richard & S.David Sperling «Akhenaton» in *Encyclopaedia Judaica*, edited by: Fred Skolnik, Gale, USA, 2007.

27. Timothy-Darvill, *Oxford Concise Dictionary of archaeology*, New York, 2002-2003.
28. Vergote J.Akhenaton in *New Catholic Encyclopedia*, Second edition, Gale.U.S.A,2003.
29. Warwick Bary & David, *The Penguin Dictionary of Archaeology*, Great Britain, 1972.

پی‌نوشت‌ها :

- ۱- دوره زندگی آخناتون بر بنیاد گزارش منابع معتبر:
۱. *دائرةالمعارف دین در ذیل مدخل Akhenaton*؛ قرن چهاردهم پیش از میلاد را به عنوان تاریخ حیات آخناتون برشمرده و به تبع آن ایام حکمرانی وی را نیز از سال ۱۳۵۲ ق.م. تا سال ۱۳۳۶ بیان کرده است ((P.Allen , James,2005,p217-221).
۲. *دائرةالمعارف جودائیکا* در ذیل مدخلی با همین عنوان دو احتمال را در باب ایام حکمرانی آخناتون ذکر کرده است: الف: وی به سالهای ۱۳۵۰ الی ۱۳۴۴ ق.م سلطنت می‌کرده و یا ب. او به سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۵۰ ق.م سلطنت کرده است (Schulman, 2007, v1, p561).
۳. *دائرةالمعارف آمریکانا* سالهایی را که آخناتون به تخت سلطنت نشسته است را از ۱۳۶۶ الی ۱۳۴۹ برشمرده است (Raymond, 2006, v1, p668).
۴. *دائرةالمعارف بریتانیکا*، قرن چهاردهم پیش از میلاد را مقارن ایام حیات آخناتون برشمرده و سال‌های حکومت او را نیز از ۱۳۵۳ الی ۱۳۳۶ ق.م اعلام داشته است (JO.A.W, 2005, v1, p188).
۵. *دائرةالمعارف نیوکاتولیک* دو احتمال را در این باب مطرح کرده است: الف: ایام حکمرانی وی از سال ۱۳۷۲ الی ۱۳۵۴ ق.م بوده. ب: وی از سال ۱۳۵۳ الی ۱۳۳۶ ق.م بر مصر حکومت کرده است (Vergote J, 2003, v1, p188).
۶. *دائرةالمعارف زندگی نامه‌ی کمبریج* نیز ایام حیات این فرعون را قرن چهاردهم پیش از میلاد دانسته است (The Cambridge Biographical Encyclopedia, 1998, v.1: p14).
۷. *دائرةالمعارف عمومی کمبریج* ایام آخناتون را قرن چهاردهم اعلام کرده است (The Cambridge Encyclopedia, 1997, p: 43).

۸. دانشنامه کمبریج نیز سده چهاردهم پیش از میلاد را تاریخ حیات آخناتون دانسته است
(*The Cambridge Encyclopedia*, 1997, p: 43).
۹. دانشنامه‌ی اینترنتی؛ در این باب آورده که ایام حکمرانی آخناتون از ۱۳۶۹ تا ۱۳۵۳ ق.م.
است.
۱۰. دانشنامه‌ی «*The World Book*» ایام حکومت او را از سال ۱۳۶۷ الی ۱۳۵۰ ق.م بیان
کرده است (*The World Book Encyclopedia*, 1994, v1: p247).
۱۱. دائرةالمعارف «*Macmilian*» سال‌های ۱۳۷۹ الی ۱۳۶۲ ق.م را به عنوان ایام حکمرانی
آخناتون اعلام داشته است (*The Macmilian Encyclopedia*, 1990, p: 24).
۱۲. دائرةالمعارف «تاریخ عمومی جهان» در بخش مربوط به تاریخ مصر، ایام حکومت آمنوفیس
چهارم [= امنحوتپ = آخناتون] را از سال ۱۳۷۰ الی ۱۳۵۲ ق.م بر شمرده است (دائرةالمعارف
تاریخ عمومی جهان، ۱۳۸۲، A, B: ۲-۹۳۲).
۱۳. فرهنگ ادیان تطبیقی نیز ایام حیات فرعون مورد نظر را از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۵۴ ق.م
بر شمرده است (*A Dictionary of Comparative Religions*, 1970, p: 53).
۱۴. فرهنگ باستان‌شناسی؛ دوران ۱۷ ساله حکومت آخناتون را از ۱۳۶۹-۱۳۵۲ پیش از میلاد
بر شمرده است (*The Penguin - Dictionary of Archaeology*, 1972, p: 12).
۱۵. کتاب فرهنگ مجمل باستان‌شناسی آکسفورد؛ ایام حکمرانی آخناتون را از سال ۱۳۴۹-
۱۳۳۳ پیش از میلاد بر شمرده است (Timothy, 2002-2003. Akhenaton).